

Assessing the Barriers of Women's Entrepreneurial Activities in the City of Zahedan

Soheila Keshavarz¹, Mehdi Zivdar²

1 Master of Entrepreneurship Management, Faculty of Management and Economics, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran, skeshavarz@gmail.com

2 Assistant Professor of Entrepreneurship, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran. (Corresponding author)
mehdizivdar@entp.usb.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2021.04.24 Revised: 2021.08.03 Accepted: 2021.08.24 Keywords: Entrepreneurship, Barriers, Women, New Venture Creation, Zahedan	According to the social conditions of women as a vulnerable group in society, it is necessary to create a suitable environment for their entrepreneurial activities and study the issues of women entrepreneurs in order to identify existing limitations, modifying future policy-makings in this area, and also increasing the individual, economic and social efficiency. Therefore, in this study, the barriers of women entrepreneurship in the city of Zahedan have been studied and tested. The research method was Quantitative and the statistical population of the research was women entrepreneurs and business founders of the city of Zahedan, which includes: women entrepreneurs in companies located in Zahedan University Growth Centers, knowledge-based companies, companies located in the province Science and Technology Park and other women Entrepreneurs in Zahedan city who were introduced by the labor office. Finally, 148 questionnaires based on simple random sampling method were distributed and received among the statistical population. The required data for research analysis were collected by the questionnaires were analyzed using SPSS and SMARTPLS softwares. Findings indicate that there are six categories of barriers; Includes barriers: socio-cultural, governmental, access to facilities, individual, motivational and family, affect women's entrepreneurship and prevent women's participation in the field of entrepreneurial activities in Zahedan. Individual barriers are the most important barriers to women entrepreneurship in Zahedan. Barriers of motivation, family, access to facilities, government, cultural-social are ranked second to sixth in terms of importance, respectively.

Cite this article: Keshavarz, Soheila; Zivdar, Mehdi. (2021). Assessing the Barriers of Women's Entrepreneurial Activities in the city of Zahedan. *Journal of Innovation Ecosystem*, 1(3) 1-20. DOI:10.22111/INNOECO.2021.37000.1011



Keshavarz, Soheila; Zivdar, Mehdi

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

ارزیابی موانع فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان

سهیلا کشاورز^۱، مهدی زیودار^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. skeshavarz@gmail.com
۲. استادیار گروه کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. mehdizivdar@entp.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲ واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، موانع، زنان، ایجاد کسب‌وکار جدید، شهرستان زاهدان	با توجه به شرایط اجتماعی زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه، ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی و مطالعه مسائل زنان کارآفرین در راستای شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح سیاست‌گذاری‌های آتی این حوزه و همچنین افزایش کارایی فردی، اقتصادی و اجتماعی این قشر، ضرورت می‌یابد؛ ازاین‌رو در این پژوهش، به بررسی و آزمون موانع کارآفرینی زنان در شهرستان زاهدان پرداخته شده است. روش تحقیق کمی و زنان کارآفرین و بنیان‌گذار کسب‌وکار شهرستان زاهدان که شامل: زنان کارآفرین در شرکت‌های مستقر در مراکز رشد دانشگاهی زاهدان، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری استان و سایر زنان کارآفرین در شهرستان زاهدان که از سوی اداره کار معرفی شدند، به‌عنوان جامعه آماری پژوهش لحاظ شدند که درنهایت ۱۴۸ پرسشنامه براساس روش نمونه‌گیری ساده تصادفی بین جامعه آماری مذکور توزیع و دریافت شد. گردآوری داده‌های مورد نیاز به‌منظور تحلیل‌های پژوهش، توسط پرسشنامه تدوین و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS انجام شد. یافته‌های پژوهش، حاکی است که شش دسته مانع؛ مشتمل بر موانع: فرهنگی-اجتماعی، دولتی، دسترسی به امکانات، فردی، انگیزشی و خانوادگی، بر کارآفرینی زنان مؤثر بوده و مانع مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های کارآفرینی در شهرستان زاهدان می‌شود. موانع فردی، مهم‌ترین موانع برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان است. موانع انگیزشی، خانوادگی، دسترسی به امکانات، دولتی، فرهنگی-اجتماعی به‌ترتیب در رتبه دوم تا ششم از نظر اهمیت قرار دارند.

استناد: کشاورز، سهیلا؛ زیودار، مهدی (۱۴۰۰). ارزیابی موانع فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان. *زیست بوم نوآوری*، ۳۱(۳)، ۱-۲۰.
DOI:10.22111/INNOECO.2021.37000.1011



© کشاورز، سهیلا؛ زیودار، مهدی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به‌عنوان راه‌حل اساسی به‌منظور ترفیع بسیاری از مشکلات و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و باقی‌ماندن در عرصه رقابت جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، مورد توجه قرار گرفته است (آودرچ^۱، ۲۰۱۸؛ افتخار و همکاران^۲، ۲۰۲۰). ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی، سبب افزایش سطح اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، ایجاد مشاغل جدید و ظرفیت بیشتر برای جذب جمعیت جویای کار، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و درنهایت، افزایش درآمد سرانه در جوامع می‌شود (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴).

بسیاری از محققان معتقدند که انجام فعالیت‌های کارآفرینانه در حوزه زنان نیز نقش برجسته‌ای در پیشرفت و توسعه اقتصادی جوامع دارد (هیگوریا و همکاران^۳، ۲۰۱۹). حضور زنان در بازار کار و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، امروزه به یکی از شناسه‌های مهم توسعه انسانی و اقتصادی-اجتماعی مبدل شده‌است؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی زنان، پیوندی مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد. زنان در زمان کوتاهی توانسته‌اند با ورود به عرصه کسب‌وکار، تحولات عظیمی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند (کانتور^۴، ۲۰۰۲). با وجود گرایش روبه‌رشد زنان به کارآفرینی و کسب‌وکار، نرخ رشد ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه توسط زنان کارآفرین در سال‌های اخیر، شتاب بیشتری یافته است و یافته‌های مطالعات متعدد، حاکی از آن است که ازجمله راهکارهای مهم توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال برای زنان و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است (وایلر و برناسک^۵، ۲۰۰۱).

اما روی دیگر سکه به‌گونه‌ای است که به‌رغم مشارکت فعال زنان در ابعاد مختلف فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، زنان همواره به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جوامع مختلف، مطرح بوده‌اند. با توجه به بحران‌های اقتصادی که در سال ۲۰۰۸ به بعد در جهان به‌وجود آمده و از آنجا که در به‌دست‌آوردن سرمایه، زنان نسبت به مردان همواره با مشکلات بزرگ‌تری مواجه هستند، بحران اقتصادی، اثر بیشتری بر آن‌ها داشته است (مالاچ-پینز و شوارتز^۶، ۲۰۰۸). این مسئله، دربرگیرنده غالب بخش‌های ساختار عملکردی است و در حالت حاد و بحرانی، اساس نظام جامعه و عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی را متأثر می‌سازد (محمدی یگانه، ۱۳۹۲).

از طرفی، ابعاد مختلف فعالیت‌های کارآفرینانه زنان، مانند: ماهیت، موانع، انگیزاننده‌ها، پیشایندها و پیامدهای این پدیده، در کشورهای در حال توسعه، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، متفاوت است (سادی و الغزالی^۷، ۲۰۱۰)؛ برای نمونه، افزایش

۱. Audretsch

۲. Ifikhar, Justice & Audretsch

۳. Hechavarria, Bullough, Brush & Edelman

۴. Kantor

۵. Weiler & Bernasek

۶. Malach-Pines & Schwartz

۷. Sadi & Al-Ghazali

چشمگیر جمعیت زنان جویای کار، واقعیت انکارناپذیر جامعه امروز ایران است. افزایش زنان و دختران تحصیل کرده، ناتوانی در جذب این افراد از سوی بخش دولتی و استقلال و انعطاف‌پذیری بیشتر زندگی شغلی کارآفرینانه (که امکان ایجاد تعادل بیشتر میان کار و زندگی خانوادگی را فراهم می‌کند)، منجر به افزایش گرایش زنان به کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه در کشور، طی سال‌های اخیر شده است (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ با این وجود، تعداد کمی از این زنان، مبدل به کارآفرینان موفق می‌شوند؛ زیرا برای ظهور فعالیت‌های کارآفرینانه، وجود زمینه‌ها و شرایط فرهنگی-اجتماعی، محیط مساعد کسب‌وکار و ابعاد مختلفی از عوامل فردی، ضروری است. بر همین مبنا، موانع متعددی پیش‌روی مشارکت زنان در فعالیت‌های کارآفرینانه، نمود می‌یابد که احصای آن‌ها می‌تواند به‌عنوان بخشی از راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان زنان، شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح سیاست‌گذاری‌های آتی، افزایش اثربخشی فردی، اقتصادی و اجتماعی و همین‌طور، بهبود وضعیت معیشت این قشر باشد.

استان سیستان و بلوچستان از استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور است. بیکاری زیاد، فقر گسترده، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی از ویژگی‌های بارز این استان پهناور است. این استان با توجه به همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان و رواج برداشت‌های خاص از باورهای مذهبی و همچنین ساختار زندگی سنتی و قبیله‌ای شرایط چندانی مناسبی در جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه به‌ویژه برای زنان ندارد (کریم‌زاده، ۱۳۹۸). از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه کشورهای، نرخ مشارکت اقتصادی زنان است. میانگین نرخ مشارکت زنان در کشورهای توسعه‌یافته در سال میلادی گذشته، ۵۲ درصد و در کشورهایی مانند ایسلند و نروژ به ۸۲ درصد می‌رسد؛ درحالی‌که این نرخ در سیستان و بلوچستان براساس آمارگیری نمونه‌ای سال جاری، ۱۵ درصد است و تا میانگین کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیادی وجود دارد (مدیر کل دفتر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷).

طبق آمار سال ۱۳۹۵، ۴۹ درصد از جمعیت ساکن شهرستان زاهدان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان ساکن در شهرستان زاهدان نسبت به زنان سایر شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از تحصیلات بیشتری برخوردارند (دارابودن تخصص به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار کارآفرینانه: کسب‌وکار خانگی، اینترنتی، خدماتی، تولیدی؛ در حال حاضر برخی از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی با داشتن ایده جدید و کاربردی و تجاری کردن آن در مراکز رشد دانشگاهی و شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری استان مشغول به کارند) و از طرفی وجود قومیت‌های مختلف در این شهرستان (کسب تجربه از این افراد و تغییر ساختار سنتی در این منطقه که نگرش منفی به اشتغال زنان داشتند) فرصتی را برای زنان در این شهرستان در جهت کارآفرینی ایجاد خواهد کرد. ایجاد اشتغال و کارآفرینی، دغدغه اصلی زنان مخصوصاً زنان سرپرست خانوار و تحصیل کرده این منطقه است؛ بنابراین ضروری است زمینه‌های لازم برای توسعه کارآفرینی زنان شهرستان زاهدان فراهم شود و موانع پیش‌روی آن‌ها برداشته شود. در همین راستا، در این پژوهش میدانی، به بررسی و آزمون موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان در شهرستان زاهدان پرداخته شده است و با بهره‌گیری از یک طرح کمی، به تحلیل داده‌های گردآوری شده از نظرات نمونه‌ای آماری از زنان کارآفرین و بنیان‌گذار کسب‌وکار در این شهرستان، پیرامون موانع فعالیت‌های کارآفرینانه، اهتمام شده است.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

کارآفرینی، از محورهای اصلی و اساسی رشد و توسعه در هر کشور است؛ به‌طوری‌که آن را موتور محرکه توسعه اقتصادی می‌دانند (افتخار و همکاران، ۲۰۲۰). از کارآفرینی به‌عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جهت ایجاد تغییرات سازنده در الگوی زندگی و شرایط زمینه‌ای اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی یاد می‌شود (موحدی و یعقوبی فرانی، ۱۳۹۳). تجارب کشورهای دارای رشد بالای درآمد ملی نشان می‌دهد که یکی از دلایل موفقیت آن‌ها این است که مسئولان و سیاست‌گذاران این کشورها به نقش و اهمیت کارآفرینی در پیشرفت و توسعه کشور، واقف هستند. امروزه، «کارآفرینی» واژه‌ای آشنا برای بسیاری از مردم و موضوعی با جایگاه ممتاز و برجسته در دستور کار محققان در انواع رشته‌ها از جمله: اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم سیاسی و روان‌شناسی است (موکایا و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

بیش از دو قرن است که کارآفرینی در ادبیات اقتصادی وارد شده و توجه پژوهشگران زیادی را نیز به خود معطوف ساخته است. این پدیده، ضمن تغییرات مفهومی فراوان، از رشد تکاملی چشمگیری نیز به لحاظ نظری، برخوردار بوده است و توسعه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن، در نظریه‌های مختلفی، مورد بررسی قرار گرفته است (مؤمنی هلالی و مؤذن، ۱۳۹۴).

رویکرد ویژگی‌ها که شامل مطالعات و پژوهش‌های صاحب‌نظران علوم اجتماعی در حوزه کارآفرینی است، عمدتاً ویژگی‌های فردی کارآفرینان را در کانون تجزیه و تحلیل قرار داده و ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی مختلفی نظیر مخاطره‌پذیری، هوشیاری کارآفرینانه برای شناسایی (تشخیص یا کشف) فرصت‌های کارآفرینانه، استقلال‌طلبی، تحمل ابهام، تاب‌آوری، اعتمادبه‌نفس بالا، مرکز کنترل درونی و نظایر آن‌ها را شرط لازم برای کارآفرین شدن می‌داند (چودوری^۲، ۲۰۰۷). در سوی دیگر، رویکرد رفتاری، عامل کارآفرینی را یکی از اساسی‌ترین ابزارهای ارزش‌آفرینی می‌داند. طرفداران رویکرد رفتاری، فرایند کارآفرینی را یک فرایند پیچیده می‌پندارند که بیش از آنکه وابسته به متغیرهای فردی باشد، به شدت تحت تأثیر محیط و زمینه‌ها است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ برای نمونه، مارکمن و بارون^۳ (۲۰۰۳) و کیگوندو^۴ (۲۰۰۰) عوامل اثرگذار بر موفقیت کارآفرینانه را به سه گروه کلی، تقسیم‌بندی می‌کنند؛ به گونه‌ای که علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین، دو عامل کلی ویژگی‌های شرکت و محیط کسب‌وکار را نیز شامل می‌شود؛ در همین رابطه، واگنر و استرنبرگ^۵ (۲۰۰۴) عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی را به سه گروه عوامل کلان، عوامل خرد و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان تقسیم کرده‌اند. در سوی دیگر و در

۱. Mokaya

۲. Chowdhury

۳. Markman & Baron

۴. Kiggundu

۵. Wagner & Sternberg

نظریه‌های اقتصادی - به‌ویژه در مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک اقتصادی^۱ - با رویکردهای عمدتاً کمی و با پیش‌فرض‌های اطلاعات کامل و همگنی کنش‌گران، موضوعاتی همچون پیش‌بینی‌ها و پیامدهای اقدامات کارآفرینانه، عدم تعادل موقت و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا در بازار، ایجاد مبادله و گردش پول در اقتصاد، ابزار و منابع تولید، تولید محصولات جدید قابل عرضه به بازار، مخاطره و جابه‌جایی و تخصیص منابع اقتصادی براساس اصول بهره‌وری، مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند (چودوری، ۲۰۰۷).

امروزه کارآفرینی در همه مباحث توسعه، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و توسعه کارآفرینی به‌عنوان راهبردی مؤثر برای حل معضل بیکاری، توسعه اقتصادی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی، به‌خصوص در میان زنان ضرورت دارد (هیکوریا و همکاران، ۲۰۱۹). کارآفرینی زنان می‌تواند حاوی دستاوردهای عیدیه‌ای در سطوح خرد و کلان، و فردی و اجتماعی باشد که از آن جمله می‌توان به چنین مواردی اشاره نمود: ایجاد اشتغال برای زنان جویای کار، تأمین رفاه اجتماعی زنان، افزایش صادرات و ارزآوری توسط کسب‌وکارهای زنان، کسب درآمد، ارتقاء انگیزش فردی و شغلی، ارتقاء انعطاف‌پذیری، ارتقاء استقلال و امکان ترکیب وظایف شغلی با تعهدات خانواده برای زنان (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش

زنان برای توسعه و ایجاد کسب‌وکار با چالش‌های زیادی روبرو می‌باشند (مک‌کی^۲، ۲۰۰۱). و همچنان موانع چشمگیری پیش روی زنان در مسیر ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه، موجود است - موانعی که عمدتاً ویژه زنان کارآفرین است و مانع رشد و توسعه کارآفرینی در میان آنان می‌شود (اوگورمن^۳، ۲۰۰۱). رئوس تعدادی از مهم‌ترین این موانع، عبارتند از: (الف) فقدان آموزش کارآفرینی مناسب برای زنان (سادی و الغزالی، ۲۰۱۰)؛ (ب) کمبود سرمایه و منابع مالی (کارتر، ۲۰۰۰؛ هریوت و کمپیل^۴، ۲۰۰۲)؛ (ج) تبعیض جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی به‌ویژه برای زنان در جوامع مردسالار، موانع خانوادگی، مسائل مربوط به سبک زندگی سنتی نظیر نقش اصلی زن به‌عنوان همسر و مادر، و دیگر موانع و مسائل فرهنگی، به‌خصوص در جوامع درحال توسعه (سادی و الغزالی، ۲۰۱۰؛ مک‌کی، ۲۰۰۱ و استل و تمز^۵، ۲۰۰۰)؛ (د) مدیریت ناکارآمد حوزه کارآفرینی زنان (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲).

۱. مکتب اقتصادی اتریش با پیش‌فرض‌ها و عناصر متمایز معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، به‌عنوان یکی از مبادی اصلی ظهور رشته علمی کارآفرینی، نگرش و رویکرد متفاوتی برای تبیین پدیده کارآفرینی دارد؛ برای مثال، سازه هوشیاری کارآفرینانه و نظریه کشف فرصت‌های کارآفرینانه، ازجمله مواردی است که توسط کرزنر (Kirzner, 1979 & 1997) یکی از صاحب‌نظران اصلی این مکتب، توسعه یافته‌است.

۲. McKay

۳. O'Gorman

۴. Heriot & Campbell

۵. Still & Timms

از دیگر متون مرتبط در این زمینه، می‌توان به موانع مورد نظر فورتنر^۱ (۲۰۰۶) اشاره کرد که عواملی نظیر انگیزه پیشرفت، خلاقیت، مخاطره‌پذیری و تحمل ابهام را از جمله عوامل فردی مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان، قلمداد می‌کند. این درحالی است که کابالا^۲ (۲۰۰۸) توسعه فرهنگ کارآفرینی و آموزش کارآفرینی را پیش‌نیازهای اصلی برای توسعه کارآفرینی زنان به‌شمار می‌آورد. همچنین، مطالعات بانک جهانی در زمینه توسعه کارآفرینی، نشان می‌دهد که برای تحقق کارآفرینی در میان زنان، می‌بایست زمینه‌های دسترسی آسان به سرمایه، تشدید حمایت‌های فنی-تخصصی و بسترسازی فرهنگی در این حوزه صورت پذیرد (بانک جهانی، ۲۰۰۲؛ به‌نقل از جمینی و همکاران، ۱۳۹۴). بریج و انیل^۳ (۲۰۱۲) فقدان سازمان‌های حامی کارآفرینی زنان، سازماندهی ضعیف کارآفرینان زن، پایین‌بودن سطح تحصیلات، وجود تبعیض در بازار کار و وجود بازارهای سنتی برای فروش محصولات و خدمات زنان را از جمله موانع مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان (در مناطق روستایی) قلمداد می‌کند.

نتایج پژوهشی درباره کارآفرینی زنان در هند نشان داد که عدم‌آشنایی زنان با موضوع کارآفرینی، تفکر منفی برخی از افراد نسبت به کارآفرینی زنان، عدم اعتماد به نفس، فشار اجتماعی، کمبود صبر در زنان، بی‌تفاوت‌بودن دولت نسبت به زنان کارآفرین، فقدان ارتباطات زنان، عدم هماهنگی و حمایت بین ادارات مختلف، دولت و زنان برخی از محدودیت‌های عمده در زمینه توسعه کارآفرینی زنان هند است (شارما^۴، ۲۰۲۰). پژوهشی دیگر نشان داد که گرایش به ریسک‌پذیری و نیاز به تحصیل در زنان کارآفرین پاکستانی بر نوآوری و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط متعلق به زنان تأثیر قابل‌توجهی دارد (زب و احسان^۵، ۲۰۲۰). در پژوهش بردبار و همکاران (۱۳۹۴)، موانع توسعه کسب‌وکار زنان کارآفرین در استان سیستان و بلوچستان، در شش بُعد قوانین و مقررات، عوامل و شرایط مالی، عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی، شرایط زیرساختی، عوامل فردی، آموزش و مشاوره، شناسایی و تأیید شدند. در پژوهش کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷) درباره موانع کارآفرینی زنان در ایران، موانع فردی، محیطی، زیربنایی، شروع و ادامه کار، سازمانی و شغلی شناسایی و رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان، از نظر مردان موانع زیربنایی و از نظر زنان عوامل محیطی است. نتایج حاصل از پژوهش میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸) در مورد موانع کارآفرینی زنان استان یزد نشان داد که ۳۰ مانع در شش بُعد خانوادگی، علمی-تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی-اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان تأثیرگذار بوده است. به‌علاوه، مطالعات و پژوهش‌های معتبر فراوانی با قلمرو موضوعی اشتغال زنان در داخل کشور انجام شده است؛ برای مثال، ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) در پژوهش خویش، به تحلیل اثرات اشتغال بر کیفیت زندگی زنان پرداخته‌اند و رضایت شغلی، میزان حقوق، سن و وضعیت تأهل را بر میزان کیفیت زندگی نمونه زنان شاغل مورد مطالعه، مؤثر عنوان کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های داخلی انجام‌شده، موانع کارآفرینی زنان روستایی را بررسی و تحلیل کرده‌اند؛ در حالی که کمتر به بررسی موانع کارآفرینی زنان شهری پرداخته شده است. از طرفی در استان سیستان و بلوچستان به

۱. Fortner

۲. Cabala

۳. Bridge & O'Neill

۴. Sharma

۵. Zeb & Ihsan

خصوص شهرستان زاهدان به دلیل وجود فرصت‌های بیشمار، موفقیت در کارآفرینی زنان در زاهدان می‌تواند به‌عنوان الگو و انگیزه‌ای برای سایر زنان این استان باشد که پژوهشی تاکنون به بررسی موانع کارآفرینی زنان شهرستان زاهدان نپرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ قلمرو، موضوعی و کانون تجزیه و تحلیل، فعالیت‌های کارآفرینانه مورد نظر در این پژوهش، ایجاد کسب‌وکار جدید^۱ به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های اصلی حوزه کارآفرینی تجاری است. روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش نیز کتابخانه‌ای-میدانی است. به‌علاوه، اطلاعات و داده‌های موردنیاز برای انجام پژوهش، طی دو مرحله، گردآوری شده‌است؛ مرحله نخست شامل روش کتابخانه‌ای و مرحله دوم، مطالعات میدانی مشتمل بر تکمیل پرسشنامه‌ها توسط زنان کارآفرین و بنیان‌گذار کسب‌وکار شهرستان زاهدان که شامل: زنان کارآفرین در شرکت‌های مستقر در مراکز رشد دانشگاهی زاهدان، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری استان و سایر زنان کارآفرین در شهرستان زاهدان که از سوی اداره کار معرفی شدند، به‌عنوان جامعه آماری پژوهش لحاظ شدند که درنهایت ۱۴۸ پرسشنامه براساس روش نمونه‌گیری ساده تصادفی بین جامعه آماری مذکور توزیع و دریافت شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل عاملی تأییدی و الگوسازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SMART PLS، نسخه ۲ مورد استفاده قرار گرفت و به‌منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی و فرعی پژوهش حاضر، از آزمون فریدمن استفاده شده‌است. شرط به‌دست آوردن داده‌های معتبر به گونه کلی، آن است که شیوه اندازه‌گیری، دارای اعتبار و روایی کافی باشد. پس از اعمال چندین نوبت تغییرات و اصلاحات، از سوی ۳ نفر از استادان کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان، روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور ارزیابی معیار روایی همگرا (AVE)^۲ و برای ارزیابی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و شاخص پایایی ترکیبی (CR)^۳ استفاده شده‌است. طبق نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار AVE برابر و بیشتر از ۰/۵ نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل قبول است. از طرفی، مگنر و همکاران^۴ (۱۹۹۶) مقدار ۰/۴ را برای مقادیر اشتراکی کافی دانستند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). همچنین برای تأیید پایایی پرسشنامه، مقدار ضریب آلفای کرونباخ و مقدار شاخص پایایی ترکیبی باید بیشتر از ۰/۷ باشد. در جدول ۱، نتایج ضریب آلفای کرونباخ، مقدار شاخص پایایی ترکیبی و روایی همگرا آورده شده‌است. با توجه به این نتایج می‌توان بیان داشت پایایی و روایی سازه‌های تحقیق مطلوب است.

۱. New Venture Creation

۲. Average Variance Extracted

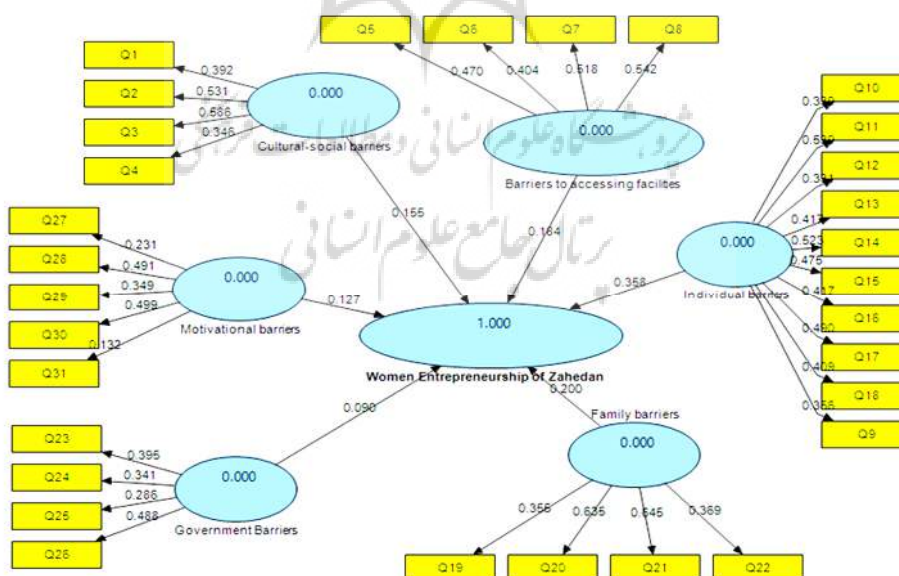
۳. Composite Reliability

۴. Magner, Welker & Campbell

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و روایی هم‌گرا سازه‌های تحقیق

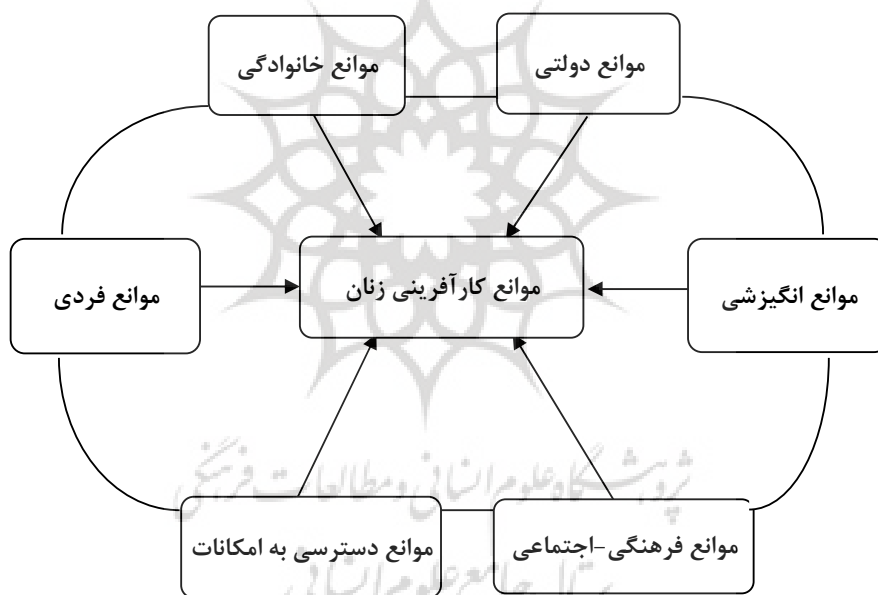
متغیر مکنون	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	روایی هم‌گرا
موانع فرهنگی-اجتماعی	۰/۷۳۱	۰/۷۲۳	۰/۴۳۴
موانع دسترسی به امکانات	۰/۷۷۵	۰/۸۴۱	۰/۶۳۹
موانع فردی	۰/۸۴۳	۰/۷۳۸	۰/۴۹۲
موانع خانوادگی	۰/۷۷۰	۰/۹۲۷	۰/۵۴۶
موانع دولتی	۰/۸۳۲	۰/۷۱۱	۰/۴۳۱
موانع انگیزشی	۰/۷۷۱	۰/۷۸۹	۰/۷۴۲

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند و اگر این مقدار برابر یا بیشتر از ۰/۳ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه‌ها و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و روایی آن سازه قابل قبول است. مقادیر بارهای عاملی که برای سنجه‌های هریک از سازه‌های پنهان مدل پژوهش توسط نرم‌افزار Smart pls گزارش شده، در شکل ۱ مشخص شده‌است. با توجه به شکل ۱، بارهای عاملی مربوط به سنجه‌های مدل در حد قابل قبول هستند، به جز شاخص‌های شماره ۲۵ (کمبود حمایت‌های غیرمالی دولتی)، ۲۷ (فقدان انگیزش برای اشتغال و کسب درآمد) و ۳۱ (فقدان انگیزش برای ایجاد کسب‌وکار کارآفرینانه جدید) که از مدل پژوهش حذف شدند.



شکل ۱. ضرایب بار عاملی شاخص‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های گذشته و با در نظر گرفتن هدف پژوهش حاضر مبنی بر موانع فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان، الگوی مفهومی پژوهش حاضر در قالب شکل ۲، ترسیم شده است. با توجه به پژوهش‌های مطرح شده در پیشینه پژوهش حاضر، ۶ متغیر اصلی و ۳۱ مؤلفه فرعی به عنوان موانع کارآفرینی زنان شناسایی شده است؛ بنابراین می‌توان تصریح کرد که برای ارتقای نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه در میان زنان، می‌بایست ترکیبی از عوامل را مورد توجه قرار داد؛ به همین ترتیب، به منظور واکاوی موانع پیش‌روی فعالیت‌های کارآفرینانه زنان، لازم است مجموعه‌ای منسجم از موانع خرد و کلان و فردی و اجتماعی را در کانون تجزیه و تحلیل، مورد نظر قرار داد. بر این اساس، با توجه به متون متعدد بررسی شده در خصوص موانع کارآفرینی زنان، مجموعه‌ای یکپارچه و مدون از این موانع، الگوی مفهومی پژوهش را تشکیل می‌دهد که در شکل ۲ قابل ملاحظه است.



شکل ۲. الگوی مفهومی پژوهش

در جدول ۲، مدل تحلیلی اولیه پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۲. مدل تحلیلی اولیه پژوهش حاضر

مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	منابع مؤلفه‌های فرعی
عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی	عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (بریدج و اونیل، ۲۰۱۲).
	نگرش‌های عمومی منفی به شایستگی‌ها و توانایی‌های زنان	(کابالا، ۲۰۰۸)، (شارما، ۲۰۲۰).

موانع دسترسی به امکانات	سبک زندگی	(سادگی و الغزالی، ۲۰۱۰)، (مک کی، ۲۰۰۱).
	نبود فرهنگ پذیرش کارآفرینی زنان	(کابالا، ۲۰۰۸)، (شارما، ۲۰۲۰).
	عدم دسترسی به مشتریان و بازار فروش	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (بریدج و اونیل، ۲۰۱۲).
	عدم دسترسی به منابع مالی و سرمایه مخاطره‌پذیر	(کارت، ۲۰۰۰)، (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲).
	عدم دسترسی به فضای فیزیکی مناسب در جهت ایجاد کسب‌وکار جدید	(بریدج و اونیل، ۲۰۱۲).
موانع فردی	عدم دسترسی به نیروی کار شایسته	(بردبار و همکاران، ۱۳۹۴)
	سطح تحصیلات پایین	(بریدج و اونیل، ۲۰۱۲)، (زب و احسان، ۲۰۲۰).
	سطح ضعیف دانش و تجارب در حوزه کارآفرینی	(سادگی و الغزالی، ۲۰۱۰)، (کابالا، ۲۰۰۸)، (شارما، ۲۰۲۰).
	نبود روحیه مخاطره‌پذیری	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (فورتنر، ۲۰۰۶)
	ضعف در تحمل ابهام	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (فورتنر، ۲۰۰۶).
	خلاقیت کم	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (فورتنر، ۲۰۰۶).
	نبود روحیه استقلال‌طلبی	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷).
	عدم برخورداری از چشم‌انداز و توفیق‌طلبی	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲).
	ضعف در هوشیاری کارآفرینانه	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲).
	ضعف در خودکارآمدی کارآفرینانه	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲).
موانع خانوادگی	ضعف در مرکز کنترل درونی	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲).
	مخالفت خانواده با اشتغال زنان	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)
	مخالفت خانواده با انجام فعالیت‌های کارآفرینانه	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (سادگی و الغزالی، ۲۰۱۰)، (مک کی، ۲۰۰۱).
	کمبود حمایت‌های مالی خانوادگی از فعالیت‌های کارآفرینانه	(مک کی، ۲۰۰۱).
	کمبود حمایت‌های غیرمالی خانوادگی از فعالیت‌های کارآفرینانه	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (استیل و تامز، ۲۰۰۰).
موانع دولتی	تأثیرات دولتی	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (شارما، ۲۰۲۰).
	کمبود حمایت‌های مالی دولتی	(شارما، ۲۰۲۰).
	کمبود حمایت‌های غیرمالی دولتی	(شارما، ۲۰۲۰)، (کابالا، ۲۰۰۸).

عدم‌ارائه اطلاعات مرتبط درخصوص بازار و فعالیت‌های کسب‌وکار از سوی عوامل و سازمان‌های دولتی	(بریدج و اونیل، ۲۰۱۲)، (شارما، ۲۰۲۰).
فقدان انگیزش برای اشتغال و کسب درآمد	(فورتتر، ۲۰۰۶)، (ربیی و نظریان، ۱۳۹۲)
فقدان انگیزش در جهت انجام فعالیت‌های خلاقانه و نوآورانه	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (فورتتر، ۲۰۰۶)، (ربیی و نظریان، ۱۳۹۲).
فقدان انگیزش برای مشارکت و ارزش‌آفرینی اجتماعی	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (ربیی و نظریان، ۱۳۹۲).
فقدان انگیزش به‌منظور انجام فعالیت‌های کسب‌وکار، در کنار مسئولیت‌های خانوادگی	(کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، (بریدج و اونیل، ۲۰۱۲)، (فورتتر، ۲۰۰۶).
فقدان انگیزش برای ایجاد کسب‌وکار کارآفرینانه جدید	(میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (بریدج و اونیل، ۲۰۱۲)، (فورتتر، ۲۰۰۶).

با توجه به مطالب مطرح‌شده، فرضیه‌های پژوهش را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

- فرضیه ۱. موانع فرهنگی-اجتماعی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.
- فرضیه ۲. موانع دسترسی به امکانات بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.
- فرضیه ۳. موانع فردی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.
- فرضیه ۴. موانع خانوادگی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.
- فرضیه ۵. موانع دولتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.
- فرضیه ۶. موانع انگیزشی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.

یافته‌های پژوهشی

برازش مدل

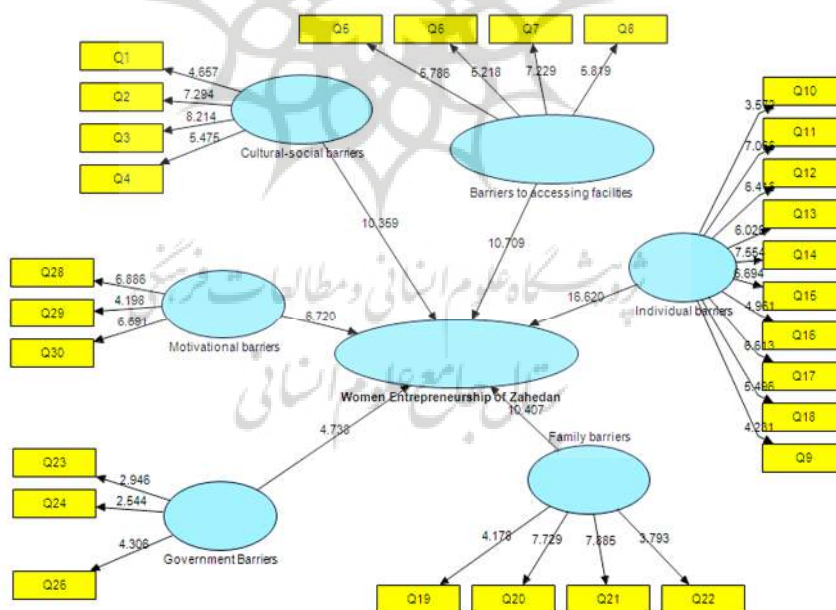
مدل ساختاری مدلی است که در روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که مدل ساختاری، مدل برآمده از رابطه بین مدل‌های اندازه‌گیری موجود در مدل است، بعد از ارزیابی پایایی و روایی مدل‌های اندازه‌گیری، نوبت به ارزیابی مدل ساختاری می‌رسد (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳). ضریب تعیین (R^2)، معیاری است که بیانگر میزان تغییرات هریک از متغیرهای وابسته مدل است که به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. گفتنی است که مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون زای مدل ارائه می‌شود و درباره سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر با صفر است. هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به‌وسیله معیار ضریب تعیین تعریف کرده‌است. مقدار R^2 برای فعالیت

های کارآفرینانه زنان شهرستان زاهدان ۰/۹۹۹ به دست آمده است. از دیگر معیارهای برازش، معیار برازش مدل کلی (Gof)^۱ است. معیار Gof مربوط به برازش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است، بدین معنی که پژوهشگر توسط این معیار می‌تواند درستی و برازش کلیت مدل مفهومی پیشنهادی را مورد آزمون قرار دهد. معیار Gof توسط تننهاوس و همکاران^۲ (۲۰۰۴) ابداع شد و طبق رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

$$Gof = \sqrt{\text{communalities}} \times R^2$$

۱

آنها سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Gof معرفی کرده‌اند. میزان به دست آمده برای معیار Gof در تحقیق حاضر ۰/۷۳۹ است که نمایانگر مناسب برازش مدل است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش باید ضرایب مسیر و معناداری این ضرایب را در مدل ساختاری بررسی کنیم^۳. معیار تأیید فرضیه‌ها، مقدار معناداری ضرایب مسیرها است که باید بیشتر از مقدار ۱/۹۶ باشد که شکل ۳، مدل پژوهش را در حالت معناداری ضرایب نشان می‌دهد. جدول ۲، نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل پژوهش در حالت معناداری ضرایب

۱. Goodness of Fit

۲. Tenenhaus, et al.

۳. در این مدل سه شاخص شماره ۲۵، ۲۷ و ۳۱ به دلیل اینکه بار عاملی آنها کمتر از ۰/۳ بودند، حذف شدند.

مقدار آماره t ، ملاک اصلی تأیید یا رد فرضیات است. اگر این مقدار به ترتیب از $۱/۶۴$ ، $۱/۹۶$ و $۲/۵۸$ بیشتر باشد، نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح ۹۰ ، ۹۵ و ۹۹ درصد تأیید می‌شود. طبق جدول ۳، هر ۶ فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با توجه به مقایسه آماره t گزارش شده با مقدار بحرانی $۲/۵۸$ تأیید شدند. به‌علاوه از آنجا که ضریب مسیر محاسبه شده نیز برای همه فرضیه، مثبت است، می‌توان تأثیر مثبت فرضیه‌ها را تأیید کرد.

جدول ۳. نتایج نهایی آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	رابطه مورد آزمون	ضریب مسیر (بتا)	t-value	آزمون فرضیه
۱	موانع فرهنگی-اجتماعی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۱۶۰	۱۰/۳۵۹	تأیید می‌شود.
۲	موانع دسترسی به امکانات بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۱۸۱	۱۰/۷۰۹	تأیید می‌شود.
۳	موانع فردی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۳۵۴	۱۶/۶۲۰	تأیید می‌شود.
۴	موانع خانوادگی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۳۰۹	۱۰/۴۰۷	تأیید می‌شود.
۵	موانع دولتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۰۹۱	۴/۷۳۸	تأیید می‌شود.
۶	موانع انگیزشی بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مؤثر است.	۰/۱۱۹	۶/۷۲۰	تأیید می‌شود.

تحلیل نرمال بودن داده‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق، ابتدا فرض نرمال بودن یا نبودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای مشخص کردن استفاده از آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک انجام پذیرفته است (جدول ۴)، سپس رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش انجام می‌شود.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

مؤلفه‌های اصلی	Z کولموگروف اسمیرنوف	مقدار P	انحراف استاندارد	نتیجه نرمال / غیرنرمال بودن توزیع
موانع فرهنگی-اجتماعی	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	۱/۸۷۷	غیرنرمال
موانع دسترسی به امکانات	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	۱/۹۴۳	غیرنرمال
موانع فردی	۰/۲۸۷	۰/۰۰۰	۴/۳۳۲	غیرنرمال
موانع خانوادگی	۰/۲۷۲	۰/۰۰۰	۲/۰۲۴	غیرنرمال
موانع دولتی	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۱/۶۳۵	غیرنرمال
موانع انگیزشی	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۱/۷۸۶	غیرنرمال

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش معنادار است و برای هر ۶ متغیر اصلی این آزمون $۰/۰۰۰$ محاسبه شد؛ بنابراین این متغیرها دارای توزیع غیرنرمال هستند و می‌توان از تحلیل‌های ناپارامتریک برای آن‌ها استفاده کرد. یکی از آزمون‌های ناپارامتریک، آزمون فریدمن است.

رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون فریدمن

اولویت‌ها	مقدار مجذور کای	Sig	Mean	N	مؤلفه‌های اصلی
۶	۵۶۹/۹۸۱	۰/۰۰۰	۲/۱۸	۱۴۸	موانع فرهنگی-اجتماعی
۴			۲/۶۸		موانع دسترسی به امکانات
۱			۶		موانع فردی
۳			۲/۷۱		موانع خانوادگی
۵			۲/۴۹		موانع دولتی
۲			۴/۹۶		موانع انگیزشی

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده برابر با ۵۶۹/۹۸۱ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد ($P < ۰/۰۵$). معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی موانع کارآفرینی زنان نظر افراد پاسخ‌دهنده به پرسشنامه با معناست و این افراد رتبه‌بندی متفاوتی از مؤلفه‌های پژوهش خواهند داشت.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع فعالیت‌های کارآفرینی زنان در شهرستان زاهدان انجام شده‌است. در این پژوهش با بررسی پیشینه‌های مرتبط با موانع کارآفرینی زنان، ۶ مؤلفه اصلی و ۳۲ مؤلفه فرعی شناسایی شدند و در جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار Smart pls نسخه ۲ و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزار Smart pls، نشان داد که باید ۳ شاخص (کمبود حمایت‌های غیرمالی دولتی، فقدان انگیزش برای اشتغال و کسب درآمد و فقدان انگیزش برای ایجاد کسب‌وکار کارآفرینانه جدید) از مدل اولیه پژوهش حذف شود. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش حاضر نشان داد که هر ۶ فرضیه، در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با توجه به مقایسه آماره t گزارش شده با مقدار بحرانی ۲/۵۸ تأیید شدند؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از موانع فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان، مانع فرهنگی-اجتماعی است. شهرستان زاهدان به‌جز دو قومیت عمده بلوچ و سیستانی، اقوام دیگری از جمله یزدی‌ها، بیرجندی‌ها، کرمانی‌ها، مهاجرانی از آذربایجان و سیک‌های هندی و افغانی را شامل می‌شود؛ بنابراین این شهر دارای تنوع فرهنگی و اجتماعی است. برخی از افرادی که از شهرهای دیگر ایران به‌دلایل مختلف از جمله شرایط شغلی، قبولی در دانشگاه این شهر و ازدواج، ساکن شهرستان زاهدان می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه مردم این منطقه از نظر کارآفرین بودن زنان تأثیر منفی یا مثبت بگذارند. از طرفی ممکن است سایر افراد از شهرستان‌های مختلف استان سیستان و بلوچستان به‌دلایل گفته‌شده در شهرستان زاهدان اقامت داشته باشند؛ براساس پژوهش کریم‌زاده (۱۳۹۸)، مهم‌ترین مانع کارآفرینی زنان شهرستان سراوان مانع شخصیتی-فرهنگی است. در شهرستان سراوان، علی‌رغم وجود پتانسیل‌های زیاد برای اشتغال زنان در حوزه‌های صنایع دستی، صنایع خانگی و... متأسفانه

نگرش مردم محلی نسبت به اشتغال زنان چندان مناسب نبوده است؛ بنابراین با توجه به این مشکلات و همچنین توسعه نیافتگی شهرستان، میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بسیار پایین است. باورهای خاص مذهبی و فرهنگی رایج در شهرستان که تحت تأثیر فرهنگ کشور همسایه بوده، باعث شده زنان را موجوداتی ضعیف و محدود به خانه دانسته و وجود این تفکر امکان بروز توانمندی‌ها و استعدادهای این قشر عظیم جامعه را از آن‌ها سلب کرده است. همچنین در بخش‌هایی از این شهرستان، اصولاً کار خارج از خانه زنان را عیب بزرگی دانسته و مانع از حضور زنان در بازار کار می‌شوند (کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۹). متأسفانه نه فقط در شهرستان سراوان، بلکه در اکثر شهرستان‌های این استان دید مثبتی به کارآفرین بودن زنان ندارند. از آن‌جا که موقعیت اجتماعی زنان در همه‌جا یکسان نیست، همه آن‌ها به شکل یکسان از فرصت‌های کارآفرینی بهره‌مند نیستند.

مانع دوم شناسایی و تأیید شده در پژوهش حاضر، دسترسی به امکانات است. استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌های محروم کشور است و نسبت به برخی از شهرهای کشورمان فاقد امکانات و بسترهای لازم برای کارآفرینی است. از طرفی دیگر برای راه‌اندازی هر کسب‌وکار کارآفرینانه‌ای به حداقل امکانات و تسهیلات نیاز است، نبود این تسهیلات و زیرساخت‌ها انگیزه‌ای برای افراد کارآفرین ایجاد نخواهد کرد. یکی از موانع شناسایی شده برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان مانع فرهنگی بود؛ بنابراین نبود فرهنگ کارآفرینی در منطقه حداقل امکانات را برای افراد در جهت انجام و راه‌اندازی فعالیتهای کارآفرینانه سلب خواهد کرد. این فرضیه با نتایج یافته‌های کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷) و بریدج و اونیل (۲۰۱۲) همسو است. مانع سوم شناسایی و تأیید شده برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان، مانع فردی است. منظور از موانع فردی زنان، ویژگی‌های شخصیتی از جمله اعتماد به نفس، روحیه مخاطره‌پذیری، تحمل ابهام و... است. برای موفقیت در انجام کسب و کارهای کارآفرینانه، در ابتدا زنان باید روحیه خودباوری و کارآفرینانه داشته باشند و دستیابی به این هدف، میسر نخواهد بود، مگر زمانی که سایر موانع پیش‌روی زنان برای کارآفرینی برداشته شود. فرضیه سوم پژوهش حاضر با نتایج یافته‌های (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷) و (هریوت و کمپبل، ۲۰۰۲) همسو است. مانع چهارم شناسایی و تأیید شده برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه زنان زاهدان، مانع خانوادگی است. یکی از دلایلی که برخی خانواده‌ها مانع از انجام فعالیتهای کارآفرینانه زنان می‌شوند، این است که زن را موجودی ضعیف، آسیب‌پذیر و ناتوان برای اداره امور خارج از منزل می‌دانند. عدم آشنایی خانواده‌ها با اثرات اقتصادی و معنوی کارآفرینی، یکی دیگر از دلایل مخالفت آن‌ها برای کارآفرین شدن زنان است. فرضیه چهارم پژوهش حاضر با نتایج یافته‌های کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷)، میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، سادی و الغزالی (۲۰۱۰) و مک کی (۲۰۰۱) همسو است. مانع پنجم شناسایی و تأیید شده در این پژوهش، مانع دولتی است. اگر دولت زیرساخت‌های لازم برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه را ایجاد کند، راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه و در نتیجه اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی کشور فراهم خواهد شد و این یافته با نتایج پژوهش‌های کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷) و شارما (۲۰۲۰) همسو است. مانع ششم شناسایی و تأیید شده در پژوهش حاضر، مانع انگیزشی زنان در شهرستان زاهدان است. چنانچه همه موانع قید شده در حیطه کارآفرینی زنان برداشته یا کم‌رنگ‌تر شوند، تأثیر مثبتی بر انگیزه و در نتیجه موفقیت در فعالیتهای کارآفرینانه زنان خواهد داشت. این فرضیه با نتایج یافته‌های میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷) و ربیعی و نظریان (۱۳۹۲) همسو

است. نتایج نهایی حاصل از این پژوهش که مربوط به رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی بود، نشان داد که مانع فردی، مهم‌ترین مانع برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان است و موانع انگیزشی، خانوادگی، دسترسی به امکانات، دولتی و فرهنگی-اجتماعی به ترتیب در رتبه دوم تا ششم از نظر اهمیت قرار دارند. با توجه به این نتایج، در جهت موفقیت در انجام فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان زاهدان، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی کارآفرینی در تلویزیون، دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و حتی ارگان‌های دولتی و سایر مکان‌هایی که حضور زنان پررنگ‌تر است.
- اعطای وام‌های بلاعوض یا کم‌بهره از طریق تشکیل صندوق اعتبارات خرد، ویژه زنان کارآفرین یا صندوق‌های قرض الحسنه.
- فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن انجام فعالیت‌های کارآفرینی توسط زنان از طریق مصاحبه با زنان کارآفرین و موفق در ایران و پخش این موضوع توسط صداوسیما.
- حمایت‌های دولت برای راه‌اندازی کسب‌وکار کارآفرینانه زنان از جمله حمایت‌های مالی از طریق پرداخت وام نسبتاً بلندمدت، بخشودگی‌های مالیاتی، تجلیل از زنان کارآفرین نمونه کشوری.

منابع

- بردبار، غلامرضا؛ عسکری پور گلوپیک، حسین؛ عباسپور، مرتضی. (۱۳۹۴). واکاوی موانع توسعه کسب‌وکار زنان (بررسی موردی موانع توسعه کسب‌وکار زنان کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان)، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها، شیراز، <https://civilica.com/doc/507666>
- ترکمن، سولماز؛ فتحی، سروش. (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). فصلنامه زن و جامعه، ۷ (۴)، ۱۳-۲۵.
- جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داوود؛ نظری سرمازه، حمید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: زنان روستایی بخش میان‌کوه شهرستان اردل). زن و جامعه، ۵ (۱)، ۹۴-۷۵.
- جمینی، داوود؛ تقدیسی، احمد؛ علی‌پور، خالد؛ فیضی، شلیر. (۱۳۹۴). تحلیل عاملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۳ (۱)، ۸۸-۶۳.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ربیعی، علی؛ نظریان، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی ایران. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲ (۴)، ۲۶-۱.
- شریفی، امید؛ اسدی، علی؛ رضایی، روح‌الله؛ عادل، محسن. (۱۳۸۹). کارآفرینی زنان دانشگاهی. پژوهش‌نامه زنان، ۱ (۱)، ۱۰۶-۷۳.
- کاظمی، عالی؛ مقیمی، بهاره. (۱۳۹۷). بررسی موانع توسعه کارآفرینی زنان در ایران با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۹ (۲)، ۲۷۴-۲۴۹.
- کریم‌زاده، مجید. (۱۳۹۸). بررسی موانع کارآفرینی زنان بلوچ شهرستان سراوان. مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان دانشگاه الزهراء، ۱۷ (۲)، ۷-۳۴.
- محسنین، شهریار؛ اسفیدانی، رحیم. (۱۳۹۳). معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار SMART-PLS، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- محمدی یگانه، بهروز. (۱۳۹۲). توسعه کارآفرینی و نقش آن در هزینه اعتبارات فردی و گروهی کشاورزی استان زنجان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲ (۶)، ۴۳-۵۷.
- موحدی، رضا؛ یعقوبی فرانی، احمد. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۲ (۴)، ۴۲-۷.
- مؤمنی هلالی، هادی؛ مؤذن، زینب. (۱۳۹۴). مروری بر موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱ (۱)، ۱۱۱-۱۲۴.
- میرغفوری، سید حبیب‌الله؛ صیادی تورانلو، حسین؛ طاهری دمنه، محسن. (۱۳۸۸). تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان، مطالعه موردی: استان یزد. پژوهشنامه مدیریت تحول، ۱ (۲)، ۴۷-۶۴.
- یاسوری، مجید؛ باسط قرشی، محمد باسط؛ وطن‌خواه، ژیللا. (۱۳۹۴). تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب‌پس فومن. پژوهش‌های روستایی، ۶ (۲)، ۳۴۳-۳۲۳.

References

- Audretsch, David B. (2018). Entrepreneurship, economic growth, and geography. *Oxford Review of Economic Policy*, 34(4), 637-651.
- Bridge, Simon., & O'Neill, Ken. (2012). Understanding enterprise: Entrepreneurship and small business. Macmillan International Higher Education.
- Cabala, L. (2008). Design rural entrepreneurship in practice, COTF System for Community Transformation. New York: Guilford Press.
- Carter, Sara. (2000). Improving the numbers and performance of women owned businesses: some implications for training and advisory services. *Educational Training*, 42(4/5), 326-334.
- Chowdhury, Mohammed S. (2007). Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: The Case of Bangladesh. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 1(3), 240-251.
- Fortner, Marian L. (2006). Entrepreneurs and their social networks: Motivations, expectations and outcomes. The George Washington University.
- Hechavarria, Diana M., Bullough, Amanda., Brush, Candida., & Edelman, Linda. (2019). High-Growth Women's Entrepreneurship: Fueling Social and Economic Development. *Journal of Small Business Management*, 57(1), 5-13.
- Heriot, Kirk C., & Campbell, Noel D. (2002). A New Approach to Rural Entrepreneurship: A Case Study of Two Rural Electric Cooperatives. United States: Association for Small Business and Entrepreneurship.
- Iftikhar, Muhammad Naveed., Justice, Jonathan., & Audretsch, David B. (2020). *Urban Studies and Entrepreneurship*. Springer.
- Kantor, Paula. (2002). Promoting Women Entrepreneurship Development Based on Good Practice Programmes: Some Experience from the North to the South. International Labour Organization.
- Kiggundu, Moses N. (2000). Entrepreneurs and entrepreneurship in Africa: What is known and what needs to be done. *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 7(3), 239-258.
- Kirzner, Israel M. (1979). Perception, Opportunity, and Profit. IL: University of Chicago Press.
- Kirzner, Israel M. (1997). Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach. *Journal of Economic Literature*, 35, 60-85.
- Malach-Pines, Ayala., & Schwartz, Dafna. (2008). Now you see them, now you don't: gender differences in entrepreneurship. *Journal of Managerial Psychology*, 23(7), 811-832.
- Markman, Gideon D., & Baron, Robert A. (2003). Person-entrepreneurship fit: why some people are more successful as entrepreneurs than others. *Human resource management review*, 13(2), 281-301.
- McKay, Ruth. (2001). Women entrepreneurs: moving beyond family and flexibility. *International Journal of Entrepreneurial Behavior Research*, 7(4), 148-165.
- Mokaya, Samuel Obino., Namusonge, Mary., & Sikalieh, Damary. (2012). The Concept of Entrepreneurship; in pursuit of a Universally Acceptable Definition. *International Journal of Arts and Commerce*, 1(6), 128-135.
- O'Gorman, Colm. (2001). The sustainability of growth in small and mediumsized enterprises. *International Journal of Entrepreneurial Behavior Research*, 7(2), 60-75.
- Sadi, Muhammad Asad., & Al-Ghazali, Basheer Mohammad. (2010). Doing business with impudence: A focus on women entrepreneurship in Saudi Arabia. *African Journal of Business Management*, 4(1), 1-11.
- Sharma, Pragalbh. (2020). Women entrepreneurship in India: The socio-economic context. *Materials Today: Proceedings*.
- Still, Leonie V., & Timms, Wendy. (2000). Women's business: the flexible alternative work style for women. *Women Management Review*, 15(5/6), 83-272.

- Tenenhaus, Michel., Amato, S. & Esposito Vinzi, Vinzi, (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling. Proceedings of the XLII SIS Scientific Meeting, Vol. Contributed Papers, CLEUP, Padova, 739–742.
- Wagner, Joachim., & Sternberg, Rolf. (2004). Start-up activities, individual characteristics, and the regional milieu: Lessons for entrepreneurship support policies from German micro data. The Annals of Regional Science, 38, 219-240.
- Weiler, Stephan., & Bernasek, Alexandra. (2001). Dodging the glass ceiling? Networks and the new wave of women entrepreneurs. The Social Science Journal, 38(1), 85-103.
- World Bank. (2002). Reading the rural poor: UN Updated Strategy for Rural Development. Washington D.C.
- Zeb, Arooj & Ihsan, Anjum. (2020). Innovation and the entrepreneurial performance in women-owned small and medium-sized enterprises in Pakistan, Women's Studies International Forum.

